

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قانون امور حسبی
مصوب ۱۳۱۹/۴/۲
نموداری

تدوین:

محمد مهدی رحیمی

انتشارات چتر دانش

فهرست

- قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ ۷
- باب اول: در کلیات ۷
- باب دوم: در قیمومت ۲۰
- فصل اول: صلاحیت دادگاه قیمومت ۲۰
- فصل دوم: ترتیب تعیین قیم ۲۴
- فصل سوم: اختیارات و مسئولیت قیم ۳۲
- فصل چهارم: عزل قیم ۳۹
- باب سوم: امور راجع به امین ۴۱
- باب چهارم: راجع به غایب مفقودالاثَر ۴۸
- فصل اول: در صلاحیت دادگاه ۴۸
- فصل دوم: در تعیین امین ۵۰
- فصل سوم: دادن اموال به طور موقت به تصرف ورثه ۵۳
- فصل چهارم: در حکم موت فرضی ۵۸
- از قانون اعتبار گواهی بنیاد شهید انقلاب اسلامی در خصوص حکم
موت فرضی غایبان مفقودالاثَر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در محاکم
صالح مصوب ۱۳۷۶ ۶۲
- باب پنجم: در امور راجع به ترکه ۶۳
- فصل اول: در صلاحیت ۶۳
- فصل دوم: در مهر و موم ۶۵

۷۵.....	فصل سوم: در برداشتن مهر و موم.....
۷۹.....	فصل چهارم: در تحریر ترکه.....
۸۴.....	فصل پنجم: راجع به دیون متوفی.....
۸۴.....	مبحث اول: استیفاء دین از ترکه.....
۹۰.....	مبحث دوم: قبول ترکه.....
۹۲.....	مبحث سوم: رد ترکه.....
۹۳.....	مبحث چهارم: قبول دیون مطابق صورت تحریر ترکه.....
۹۵.....	مبحث پنجم: تصفیه.....
۱۰۰.....	فصل ششم: راجع به وصیت.....
۱۰۹.....	فصل هفتم: در تقسیم.....
۱۱۸.....	فصل هشتم: در ترکه متوفای بلاوارث.....
۱۲۱.....	فصل نهم: راجع به ترکه اتباع خارجه.....
۱۲۸.....	فصل دهم: در تصدیق انحصار وراثت.....
۱۳۶.....	باب ششم: در هزینه.....

راهنما

خوانندگان گرامی! لازم به یادآوری است که نشانه های درج شده در ابتدای هر ماده قانونی نشانگر درجه اهمیت ماده های ذکر شده می باشد. به طوری که مواد قانونی که دارای علامت **III** می باشند از بیشترین درجه اهمیت نسبت به سایر مواد قانونی برخوردار هستند. که این مواد را ممتاز می نامیم و بدیهی است سایر مواد از لحاظ اهمیت آزمونی و کاربردی از اهمیت کمتری برخوردارند. به طوری که علامت های **II** **I** در ابتدای سایر مواد قانونی به تدریج نشانگر درجه اهمیت خیلی مهم و مهم می باشند.

لازم به ذکر است آن دسته از مواد قانونی که در ابتدای آنها هیچ نشانه ای وجود ندارد از درجه اهمیت آزمونی و کاربردی پایین تری نسبت به سایر مواد قرار دارند.

قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹/۴/۲

باب اول: در کلیات

▣ ماده ۱- امور حسبی اموری است که دادگاه‌ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند بدون اینکه رسیدگی به آنها

متوقف بر وقوع $\left. \begin{array}{l} - \text{اختلاف و منازعه بین اشخاص} \\ - \text{و اقامه دعوی} \end{array} \right\}$ از طرف آنها باشد.

▣ ماده ۲- $\left. \begin{array}{l} - \text{رسیدگی به امور حسبی تابع مقررات این باب می‌باشد} \\ - \text{مگر آنکه خلاف آن مقرر شده باشد.} \end{array} \right\}$

▣ ماده ۳- رسیدگی به امور حسبی در دادگاه‌های حقوقی به عمل می‌آید.

▣ ماده ۴- در موضوعات حسبی هر گاه امری در خارج از مقر دادگاهی که کار در آنجا مطرح است باید انجام شود

$\left. \begin{array}{l} - \text{دادگاه مزبور می‌تواند انجام آن امر را به دادگاهی که کار در} \\ \text{حوزه آن باید بشود ارجاع نماید} \\ - \text{و در این صورت دادگاه نامبرده امر ارجاع شده را انجام و نتیجه} \\ \text{را به دادگاه ارجاع‌کننده امر می‌فرستد.} \end{array} \right\}$

▣ ماده ۵- مقررات راجع به نیابت قضایی که در آیین دادرسی مدنی

ذکر شده شامل امور حسبی خواهد بود.

▣ **ماده ۶-** در صورتی که دو یا چند دادگاه برای رسیدگی به موضوعی

صالح باشند **دادگاهی که بدو^ا به آن رجوع شده است** رسیدگی می‌نماید.

▣ **ماده ۷-** در صورت حدوث اختلاف در صلاحیت دادگاه‌ها رفع

اختلاف به ترتیب مقرر در **آیین دادرسی مدنی** به عمل می‌آید.

▣ **ماده ۸-** دادرس باید در موارد زیر از مداخله در امور حسبی خودداری کند:

- ۱- اموری که در آنها ذینفع است.
- ۲- امور راجع به زوجه خود (زوجه‌ای که در عده طلاق رجعی است در حکم زوجه است).
- ۳- امور اقرباء نسبی و سببی خود در درجه یک و دو از طبقه اول و درجه یک از طبقه دوم.
- ۴- امور راجع به اشخاصی که سمت

-	ولایت یا
-	قیمومت یا
-	نماینده

 نسبت به آنها دارد.

▣ **ماده ۹-** در موارد خودداری دادرس هر گاه در آن حوزه دادرس

صلاحیتدار برای رسیدگی نباشد رسیدگی به **دادگاه نزدیکتر** ارجاع می‌شود.

▣ **ماده ۱۰-** در موارد ماده ۷

- دادرس باید از رسیدگی خودداری نماید ولی
- اشخاص ذینفع نمی‌توانند به استناد این ماده دادرس را رد نمایند.

☐ ماده ۱۱- (- عدم صلاحیت محلی دادگاه یا
 - خودداری دادرس از مداخله در خصوص امری) رافع

آثار قانونی (- اقدام یا
 - تصمیمی) که به عمل آمده است نخواهد بود.

☐ ماده ۱۲- (- روزهای تعطیل مانع از رجوع به دادرس در
 امور حسبی نیست
 - ولی دادرس می تواند رسیدگی را در روزهای
 تعطیل به تأخیر اندازد) مگر

اینکه امر از امور فوری باشد.

☐ ماده ۱۳- درخواست در امور حسبی ممکن است (- کتبی یا
 - زبانی) باشد

درخواست زبانی در صورت مجلس نوشته شده و به امضاء درخواست کننده
 می رسد.

☐ ماده ۱۴- در امور حسبی

(- دادرس باید هر گونه (- بازجویی و
 - اقدامی) که برای اثبات قضیه
 لازم است به عمل آورد) و در
 (- هر چند درخواستی از دادرس نسبت به آن اقدام نشده باشد)

تمام مواقع رسیدگی می‌تواند دلائلی که مورد استناد واقع می‌شود قبول نماید.

▣ ماده ۱۵- اشخاص ذینفع می‌توانند

- شخصاً در دادگاه حاضر شوند یا
- نماینده بفرستند و نیز
- می‌توانند کسی را به سمت مشاور همراه خود به دادگاه بیاورند.

و در صورتی که نماینده به دادگاه فرستاده شود نمایندگی او باید نزد دادرس محرز شود.

تبصره- نماینده اعم از وکلاء دادگستری یا غیر آنها است.

▣ ماده ۱۶- حساب مواعد

- به ترتیبی است که در آیین دادرسی مدنی ذکر شده و
- اگر روز آخر موعد مصادف با تعطیل شود آخر موعد روز بعد از تعطیل خواهد بود.

▣ ماده ۱۷- در مهلت‌هایی که مسافت رعایت می‌شود ترتیب آن مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به مسافت است.

▣ ماده ۱۸- اشخاص ذینفع می‌توانند پرونده‌های امور حسبی را

- ملاحظه نموده
 - و از محتویات آن رونوشت
- از دفتر دادگاه
- گواهی شده یا
 - گواهی نشده

بگیرند.

□ **ماده ۱۹-** هر گاه ضمن رسیدگی به امور حسبی

– دعوایی از طرف اشخاص ذینفع حادث شود که رسیدگی به امور حسبی متوقف به تعیین تکلیف نسبت به آن دعوی باشد
– دادرسی در صورت درخواست دستور موقتی در موضوع آن دعوی مطابق مقررات **دادرسی فوری** صادر می‌نماید.

□ **ماده ۲۰-** اقدام و دخالت دادستان در امور حسبی مخصوص به

مواردی است که در قانون تصریح شده است.

□ **ماده ۲۱-** در مواردی که دادستان مکلف به اقدامی می‌باشد

– اقدام به عهده دادرسی دادگاه شهرستانی است
– که رسیدگی در حوزه آن دادگاه به عمل می‌آید.

□ **ماده ۲۲-** دادرسی پس از تمام شد بازجویی و رسیدگی منتهی در

ظرف دو روز تصمیم خود را اعلام می‌نماید.

□ **ماده ۲۳-** تصمیم دادرسی باید موجه و مدلل باشد.

□ **ماده ۲۴-** در مواردی که تصمیمات دادگاه باید ابلاغ شود ترتیب

ابلاغ مانند مقررات آیین دادرسی مدنی است.

□ **ماده ۲۵-** در صورتی که ابلاغ در کشور بیگانه باید به عمل آید

دادرسی می‌تواند ترتیب سهل‌تری برای ابلاغ در نظر گرفته و دستور دهد.

□ **ماده ۲۶-** هر گاه شخصی که تصمیم دادگاه باید به او ابلاغ شود

در دادگاه حاضر باشد

تصمیم دادگاه به او اعلام و این عمل ابلاغ محسوب است و
- رونوشت نیز به او داده می‌شود.

▣ ماده ۲۷- تصمیم دادگاه در امور حسبی قابل
- پژوهش و
- فرجام نیست

جز آنچه در قانون تصریح شده باشد.

رأی وحدت رویه شماره ۸۰۰ مورخ ۱۳۳۶/۴/۱۱

احکام مربوط به حجر برای اشخاص ذینفعی که طبق قانون امور حسبی در جریان رسیدگی دخالت داشته و عنوان شخص ثالث ندارند قابل فرجام نیست. متن رأی:

چون به موجب ماده ۲۷ قانون امور حسبی تصمیم دادگاه وقتی قابل فرجام است که در قانون تصریح شده باشد و در مورد تصمیم دادگاه راجع به حجر در قانون تصریح به حق فرجام شده است و مستنبط از ماده ۴۴ قانون مزبور هم که حق فرجام در آن تصریح گردیده ناظر به موردی است که شخص ثالث بر تصمیم دادگاه اعتراض کرده باشد بنابراین احکام مربوط به حجر برای اشخاص ذینفعی که طبق ماده ۱۵ قانون مذکور در جریان رسیدگی دخالت داشته و عنوان شخص ثالث نداشته‌اند قابل فرجام نمیباشد.

▣ ماده ۲۸- مرجع شکایت پژوهشی از تصمیمات قابل پژوهش در امور حسبی دادگاهی است که مطابق آیین دادرسی مدنی صلاحیت رسیدگی پژوهشی به احکام دادگاه صادرکننده تصمیم در مورد دعای دارد.

□ ماده ۲۹- مدت پژوهش همان است که برای پژوهش احکام در آیین دادرسی مدنی مقرر شده.

□ ماده ۳۰- در صورتی که پژوهش خواه اثبات کند که پژوهش نخواستن او در موعد به واسطه عذر موجه بوده

– و در ظرف ده روز از تاریخ رفع عذر پژوهش بخواهد دادگاهی که مرجع رسیدگی پژوهش است می تواند مهلت پژوهش را تجدید نماید
– مشروط به اینکه از تاریخ انقضاء مدت پژوهش بیش از شش ماه نگذشته باشد.

□ ماده ۳۱- مهلت جدید

– نباید بیش از موعد پژوهشی باشد و
– درخواست تجدید مهلت بیش از یک دفعه پذیرفته نیست.

□ ماده ۳۲- شکایت پژوهشی به دفتر دادگاهی که صادرکننده تصمیم مورد شکایت بوده داده می شود

– دفتر نامبرده باید فوراً شکایت نامه را ثبت و رسید آن را به شاکی داده و
– منتهی در ظرف دو روز شکایت نامه پژوهشی را با برگهای مربوط به آن دادگاهی که مرجع رسیدگی پژوهشی است بفرستد.

□ ماده ۳۳ - شکایت پژوهشی

□ - ممکن است شفاهی باشد در این صورت شکایت نامبرده در صورت مجلس دادگاه درج و به امضاء (- شاکی و) می‌رسد و (- دادرس) این صورت مجلس با برگهای مربوطه به دادگاه مرجع رسیدگی پژوهشی فرستاده خواهد شد.

□ ماده ۳۴ - شکایت پژوهشی ممکن است مبنی بر (- جهات یا) جدید (- ادله) باشد.

□□ ماده ۳۵ - شکایت پژوهشی موجب

□ - تعویق اجراء تصمیم مورد شکایت نمی‌شود (- مگر اینکه دادگاهی که رسیدگی پژوهشی می‌کند قرار تأخیر اجراء آن را بدهد.)

□□ ماده ۳۶ - تصمیم دادگاه استان به (- اتفاق یا به) معلوم می‌شود. (- اکثریت آراء)

□□ ماده ۳۷ - دادگاهی که رسیدگی پژوهشی می‌نماید

- هر گونه رسیدگی و تحقیقی که مفید و لازم بداند بدون
احتیاج به درخواست به عمل می آورد و
- پس از رسیدگی اگر تصمیم مورد شکایت را صحیح بداند
آن را تأیید و
- چنانچه نقضی در تصمیم نامبرده مشاهده کند موافق
نظر خود

آن را تکمیل می نماید و هر گاه تصمیم مورد شکایت را صحیح نداند
آن را الغاء نموده و تصمیم مقتضی را اعلام می نماید.
▣ ماده ۳۸- هر گاه در تصمیم دادگاه اشتباهی در حساب یا سهو
قلم یا اشتباهات دیگری رخ دهد مثل از قلم افتادن نام یکی از اشخاص
ذینفع یا زیادشدن نامی

- مادام که آن تصمیم به وسیله شکایت به دادگاه بالاتر از دادگاه
خارج نشده باشد دادگاه صادرکننده تصمیم
- مستقلاً یا
- به درخواست یکی از اشخاص ذینفع آن را تصحیح می نماید
- و این تصحیح
- زیر تصمیم دادگاه یا
- برگ دیگری که پیوست آن می شود نوشته
خواهد شد.

دادن رونوشت از تصمیم دادگاه بدون پیوست نامبرده ممنوع است.

– تصحیح به اشخاصی که تصمیم دادگاه باید ابلاغ شود
ابلاغ می‌شود و
– در مواردی که تصمیم دادگاه قابل پژوهش است تصحیح
آن هم در مدت مقرر برای پژوهش قابل پژوهش خواهد بود.

▣▣ ماده ۳۹- هر گاه تصمیم دادگاه از اعتبار افتاده باشد تصحیح هم
از اعتبار خواهد افتاد.

▣▣ ماده ۴۰- هرگاه دادگاه) - رأساً یا
(بر حسب تذکر به خطاء تصمیم خود برخورد

در صورتی که آن تصمیم قابل پژوهش نباشد می‌تواند آن را تغییر دهد.
▣▣ ماده ۴۱- تصمیمی که در زمینه درخواستی به عمل آمده است
تغییر آن هم محتاج به درخواست است.

▣▣ ماده ۴۲- هر گاه در استنباط از مواد قانون بین دادرسهایی که
رسیدگی پژوهشی می‌کنند اختلاف نظر باشد دادگاهی که به امر
حسبی رسیدگی پژوهشی می‌نماید می‌تواند به توسط دادستان
دیوان کشور نظر هیأت عمومی دیوان کشور را بخواهد و

– در این صورت دادگاه نظر خود را با دلایل آن برای دادستان دیوان کشور می‌فرستد و
– پس از آنکه دیوان کشور نظر خود را اعلام کرد دادگاه مکلف است مطابق آن عمل نماید.

□ ماده ۴۳- دادستان دیوان کشور

– از هر طریقی که مطلع به سوء استنباط از مواد این قانون در دادگاه‌ها بشود یا
– به اختلاف نظر دادگاه‌ها راجع به امور حسبی اطلاع حاصل کند که مهم و مؤثر باشد

نظر هیأت عمومی دیوان کشور را خواسته و به وزارت دادگستری اطلاع می‌دهد که به دادگاه‌ها ابلاغ شود و دادگاه‌ها مکلفند بر طبق نظر مزبور رفتار نمایند